

مانیفست روز جهانی کارگر

کمیته ی اجرایی بین الملل کمونیست

به زنان و مردان کارگر همه ی کشورهای جهان
سالی دیگر گذشت و طبقه ی کارگر در هیچ کشور دیگر جهان به جز روسیه
نمی تواند از پیروزی به خود بیابد. سرمایه داران دیگر کشورها مسروراند.
آن ها بیش از سال گذشته به خود مطمئن اند و طوری رفتار می کنند که گویی
به پیروزی غایی خود مجاب شده اند. کارگران می گویند «یک سال دیگر
گذشت و ما هنوز از زنجیرهای خود رهایی نیافته ایم».

سالی دیگر گذشت و سکان همچنان در دستان بورژوازی باقی مانده است.
در این دوره، بورژوازی توانست نشان دهد قادر به ساختن چه چیزی است.
جهان بیش از هر زمان دیگری در گذشته، به ویرانه ای مه آلود شباهت یافته
است. در کشورهای شکست خورده ی سرمایه داری، در آلمان، اتریش، و
مجارستان قحطی پدیدار شده است. این کشورها بیش از پیش مبدل به قربانیان
چپاولگران جهانی شده اند که آخرین اندوخته های ناچیز شکست خوردگان را
با پول رایج کم ارزش خریداری می کنند. استثمارگران داخلی، بدین طریق، به
کسب و کار خوبی دست می زنند، حال آن که نیازهای توده های کارگران روز
به روز افزایش می یابد. قیمت های بالا، از دستمزدها فراتر رفته و علی رغم
این که مغازه ها از کالا تلنبار شده است، میلیون ها تن نمی دانند چگونه برای
فرزندان خود غذا مهیا کنند یا خود را از برهنگی بیوشانند.

اما، وضعیت در کشورهای فاتح چگونه است؟ چهار میلیون بیکار در آمریکا و دو میلیون نفر در بریتانیا. در فرانسه هرج و مرج اقتصادی رو به رشد است. در بریتانیا یک موج اعتصاب از پس موجی دیگر فرا می رسد. اگر کارگران اعتصابی معادن زغال سنگ سایر کارگران راه آهن و حمل و نقل را به اعتصاب بکشانند، در آن صورت لوید جورج مجبور می شود با گرد آوردن جماعتی، پاسخ این کارگران را با گلوله ی سربی و توپ آهنین بدهد. اوباشان زورگوی بورس در پاریس، لندن و نیویورک فکر می کردند قادر خواهند بود جمعیت نیمی از جهان را به فلاکت کشانده و با آرامش به اعمال کنترل و نفوذ خود ادامه دهند. آن ها در اشتباه اند. فلاکت زدگان نمی تواند پولی خرج کند؛ پس نه آرمسترانگ، ویکرز، اشنایدر- کروسو و نه شرکت فولاد بتلهم نمی توانند با محصولات صنعت خود رشد هنگفتی کنند. بیش از دو سال و نیم گذشته و سرمایه ی جهانی ثابت کرده است که قادر به سازمادهی اقتصاد جهانی نیست. در مقابل، تنها چیزی که می شناسد این است که چگونه تناقضات جدیدی به تناقضات گذشته بیافزاید. فوخ از راین گذشت تا گلوی بورژوازی آلمان را بفشارد و آن ها را زیر پوشش جبران جنایات جنگی، سرکسیه کند؛ گویا سرمایه داری اتفاق مثلث^۱ خود را چون نوزادی معصوم، بیگناه احساس می کند. پیامدهای جنگ جهانی هنوز از بین نرفته و در عین حال جنگی دیگر در راه است. با رشد ناآرامی و بی اعتمادی، بورژوازی بریتانیا برنامه ی تسلیحات دریایی ایالات متحده ی آمریکا را پی گرفته است.

^۱ - اتفاق مثلث، اتحادی میان امپراتوری روسیه، جمهوری سوم فرانسه و بریتانیای کبیر و ایرلند در سال ۱۹۰۷ بود. اتحاد این سه قدرت، که سپس از طریق توافقاتی با پرتغال و ژاپن تکمیل شد، وزنه ای در برابر اتحاد مثلث، متشکل از آلمان، اتریش-مجارستان و ایتالیا بود. در آغاز جنگ جهان اول در سال ۱۹۱۴، هر سه قدرت اتفاق مثلث در برابر قدرت های مرکزی آلمان و اتریش-مجارستان، به عنوان متحد وارد جنگ شدند.

علیه چه کسی خود را مسلح کرده اند؟ علیه بریتانیا و یا در برابر ژاپن؟ بریتانیا و ژاپن برای سهم خود اعلام آمادگی می کنند. هیولای وحشی جنگ جهانی در حال آماده سازی خود برای خیزی دیگر است. پنجه های خود را عریان کرده و چنگال خود را به سمت طعمه ی تازه ی پرولتری گشوده است. اگر پرولتاریای جهان تجدید قوا نکند، اگر سرمایه داری را از گلو خفه نکند، نه تنها تباهی و بردگی خود را خواهد دید، بلکه بار دیگر متقاعد خواهد شد که به میدان جنگ کشیده شود و در جهت منافع سرمایه ی جهانی خون بریزد. خانان به طبقه ی کارگر، شایدمان ها، رنادل ها و هندرسن ها کشف تازه ای کرده اند؛ مسأله، «دفاع از سرزمین پدری و دموکراسی» است. فقط اخیراً واندرولد، رهبر بین الملل دوم و وزیر پادشاهی بلژیک، عیب جویانه و آشکارا رضایت خود را به فرانسه برای اعزام نیروهای سنگال بر روی راین علیه مردم به خون غلطیده ی آلمان اعلام کرد. در همین حال، قهرمانان بین الملل «دو و نیم» دوباره فرصتی یافتند برای بحث در این مورد که چه «شرایط ویژه» ای در هر کشور می تواند زمینه ساز توجیه خیانت به پرولتاریا باشد و این که چگونه و چرا پرولتاریا باید به جای شلیک به قلب سرمایه داری رو به احتضار، باروت خود را برای زمانی بهتر حفظ کند.

اما مسأله به این شیوه که سرمایه داران و سوسیال دموکرات ها فکر می کنند مطرح نیست. پرولتاریای جهان شکست نخورده است، انقلاب جهانی به پیش می رود. پیشرفت های آن، حکایت از این واقعیت دارد که سرمایه داری حتی نمی تواند یک زندگی برده وار منظم را برای پرولتاریا تضمین کند، و نیز این واقعیت را که توده ها گسترده تر، قوی تر و آگاهانه تر زیر پرچم بین الملل سوم گردهم می آیند دربر می گیرد. دقیقاً به این خاطر که

بورژوازی در عمل ثابت کرد ناتوان از برقراری نظم جهانی است، توده های بیشتری از راه می رسند و در امتداد مسیر انقلاب پیش می روند و صفوف خود را به هم نزدیک تر می کنند. روسیه ی شوروی، بهشت انقلاب، اجازه نمی دهد ارتجاع جهانی آن را فتح کند. بریتانیا، دژ محکم ضدانقلاب، مجبور شد که با «دزدان و غارتگران مسکو» قرارداد تجاری ببندد. و اگر چه هفت سال جنگ به طور جدی روسیه را تضعیف کرده است، گرچه نیازهای توده های پرولتری در روسیه نیز شدید است، بخش پیشتاز پرولتاریا وفادارانه زیر پرچم حکومت شوروی می ایستد و قادر است از درون توده های متزلزل و مردد، مبارزان جدیدی را بسیج کند. این نیروی پیشتاز هر کاری می کند تا سازمان قهرمان اش را قادر سازد سلاح جدید ضدانقلاب - خستگی مردم روسیه- را از کار بیاندازد. ترور سفید حاکم در اسپانیا و صربستان ثابت می کند که چگونه اربابان محلی نسبت به خود احساس عدم اطمینان پیدا کرده اند.

در ایتالیا، بورژوازی، بارها کردن افسار فاشیست ها طوفان می کارد. سازمان آلمانی «اورگش»^۲ پیوسته به کارگران آلمان یادآوری می کند که: «خود را مسلح کنید! از ترس شکست خود را نبازید! حمله کنید پیش از آن که مورد حمله قرار بگیرید». در لهستان ۷۰۰۰ کمونیست پشت میله های زندان اند، اما اعتصاب پشت اعتصاب: این نشان می دهد تا زمانی که پلی از روسیه ی انقلابی به آلمان انقلابی کشیده نشود، آرامشی در کار نخواهد بود. در فرانسه، سرزمین سرمست از پیروزی، سرزمین سرمستی ناسیونالیزم، صدها هزار کارگر با کمونیزم آشنا شده اند. هیچ آزار و اذیتی نمی تواند

^۲ - یک گروه شبه نظامی ضدیهود که گنورگ اشریخ بنیان گذاشت.

پیشروی پیروزمندانه ی ایده های کمونیستی در این کشور را متوقف کند، جایی که این ایده نه تنها زاده شد، بلکه با خون قربانیان ژونیه و شهدای کمون پاریس تقدیس شد. بین الملل کمونیست در حال تدارک برای کنگره ی سوم آن است. کنگره برخلاف رهبران انترناسیونال «دو و نیم»، یعنی آدلرها، بوئرها، لانگه ها، دیتمان ها، هیفردینگ ها، و والهد در وین، با تفکر مالیخولیایی توفیقات ارتجاع جهان کاری ندارد، بلکه به پولادین کردن سلاح خود و نابودی تمام عناصری که به دنبال کندی این سلاح اند اختصاص می یابد.

نه به تلطیف حملات از سوی ما، آری به تهاجم صفوف گسترده در امتداد جبهه ای به مراتب گسترده تر؛ این شعاری است که در روز اول ماه مه از شما درخواست می کنیم. بسیار حیاتی است که خودمان را در کانون توده ها، خارج از حزب در پیکارشان برای بهبود وضعیت آن ها قرار دهیم. در این دوره از این مبارزه، توده های کارگر خواهند دید رفورمیست ها و سانتریست ها چگونه هر روز آن ها را فریب می دهند. آنان خواهند دید که شایدمان ها و هیلفردینگ ها، توراتی ها و داراگون ها، رنادل ها و لانگه ها، هندرسن ها و مک داندلها نه مایل اند، و نه قادراند برای دیکتاتوری پرولتاریا و نه حتی برای تکه نانی بیات برای کارگران بجنگند. کارگران متوجه خواهد شد که کمونیست ها پرولتاریا را جدا نمی کنند، بلکه نمایانگر وحدت آن ها در مبارزه برای آینده ای بهتر هستند. آن ها متوجه خواهد شد که سرمایه داران نمی توانند، و نمی خواهند، به کارگران حتی بیش از آن چه که یک دهقان به اسب خود می دهد ارزانی کنند: استراحت کافی و مقدار کافی نان، که برای بازیابی قوا برای کار بیشتر ضروری است. در این راه، تمایل کارگران برای

سرنگونی سرمایه داری و خردکردن قدرت آن هر روز رشد می کند. روزی آن لحظه فرا می رسد که کارگران دیگر نمی خواهند رنج و عذابی را که سرمایه داری بر آن ها تحمیل نموده است، تحمل کنند.

روزی آن لحظه فرا خواهد رسید که حملات شجاعانه ی پیشاهنگان جنبش کمونیستی، توده های وسیع طبقه ی کارگر را با خود به دنبال می آورد، آن هنگام که مبارزه برای تسخیر قدرت و وظیفه ی آتی خواهد بود. بین الملل کمونیست شما را به حداکثر تمرکز نیروها و بیشترین وحدت و آمادگی برای نبرد فرا می خواند. ما نه به سوی دوره ای از کار آهسته ی تهییجی و تبلیغی، بلکه به سوی دوره ی تشدید پیکارهای انقلابی توده ها در حرکت هستیم. افزایش بیکاری، رشد گستاخی ضدانقلاب، و خطر جنگ جدید به کنش انقلابی توده های زحمتکش اجازه ی توقف نمی دهد. وظیفه ی کمونیست ها در هر کشور این است که گردان اعتصاب آن ها، و کادری باشند که آنان را در مبارزه متحد می کند. کارکرد پرچم در خون غلطیده ی ما تنها نمادی از مبارزه آتی پیش روی ما نیست، بلکه جهت حرکت ماست در تعارضات بزرگ انقلابی امروز و فردا.

در روز جهانی کارگر ما باید آمادگی خود را برای نبرد با بورژوازی جهانی نشان دهیم.

در روز اول ماه مه باید پرچم سرخ را در کارخانه ها و محل کار برافراشت. باید آن را در صف جلوی تظاهرات های توده ای حمل کنیم تا نوشته های آن در همه جا به توده های پرولتری ستمدیده اعلام کند

«صفوف خود را به هم نزدیک کنید، ای تمام ستمدیدگان و رنجبران، تمام

کسانی که تحت استثمار و تهاجم اید!»

«مرگ بر جیره خواران پیدا و پنهان بورژوازی!»
«زنده باد بین الملل کمونیستی، ارتش سرخ انقلاب جهانی!»
«سرنگون باد دولت سرمایه داری، سرنگون باد بورژوازی!»
«زنده باد شوروی، دژ انقلاب جهانی!»
«زنده باد انقلاب جهانی و اتحادیه ی بین المللی جماهیر شوروی
پرولتری!»

کمیته ی اجرایی بین الملل کمونیست

پراودا، شماره ۸۶

۲۱ آوریل ۱۹۲۱

لئون تروتسکی

منبع: پراودا شماره ۸۶، ۲۱ آوریل ۱۹۲۱

منبع: آرشیو مارکسیست ها در اینترنت

ترجمه: باران راد

بازنویس: یاشار آذری

آدرس اینترنتی کتاب خانه: <http://www.nashr.de>

ایمیل یاشار آذری: yasharazarri@gmail.com

مسئول نشر کارگری سوسیالیستی: یاشار آذری

تاریخ بازنویسی: ۱۳۹۴